



بسم الله الرحمن الرحيم

شماره = ۱۸۷۴

کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار
شماره ۴۹۵۴ تاریخ ۱۷/۹/۱۳۸۷

بحران مالی و اقتصادی

۲۰۰۹

دلایل، راه های برون رفت

نوشته: پل کراگمن (برنده جایزه نوبل اقتصاد)

مترجم: امیرحسین توکلی

بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۹ دلایل، راه



01BF000000004954

ن. ۱. ۳ ب ۴ ک / ۳۷۱۱. HB

فهرست مطالب

 مقدمه نویسنده
 در مورد این کتاب
۱۱ ۱- بازگشت اقتصاد رکود
۱۲ مشکل اصلی حل شده
۱۳ پیروزی سرمایه داری
۱۶ وام کردن چرخه کسب و کار
۲۲ فناوری به عنوان منجی
۲۴ ثمرات جهانی شدن
۲۷ بدبین ها و ناقدان
۲۹ ۲- نادیده گرفتن هشدار: بحران امریکای لاتین
۳۱ مکزیک: بعد از دهه ۱۹۸۰
۳۶ جدائی آرژانتین از گذشته
۳۹ سال بد برای مکزیک
۴۲ بحران تکیلا
۴۶ نجات بزرگ
۴۷ خطای یادگیری
۵۱ ۳- دام ژاپن
۵۳ ژاپن شماره یک
۵۵ حباب، توان و مشکل
۶۰ رکود نامشهود
۶۱ دام ژاپن
۶۳ ژاپن بی هدف
۶۷ بازگشت ژاپن
۶۹ ۴- سقوط آسیا

۷۰ رشد
۷۵ ۲ ژوئیه ۱۹۹۷
۷۹ سقوط
۸۱ سرایت بحران
۸۴ چرا آسیا؟ چرا ۱۹۹۷؟
۸۶ جمع بندی: آرژانتین ۲۰۰۲
۸۸ سوال مهم تر
۹۱ ۵- مشکل سیاست گذاری
۹۳ نظام پولی جهان چگونه تکامل نیافت؟
۹۸ تهدید سوداگران
۹۹ بازی اعتماد
۱۰۳ آیا صندوق بین المللی پول شرایط را بدتر کرد؟
۱۰۷ ۶- حاکمان جهان
۱۰۸ ذات حیوانی
۱۱۰ اسطوره جورج سورس
۱۱۲ دیوانگی نخست وزیر ماهاتیر
۱۱۴ حمله به هنگ کنگ
۱۱۷ اقتصاد پُتمکینی
۱۱۹ اضطراب ۱۹۹۸
۱۲۵ ۷- حباب گرینسپن
۱۲۶ عصر گرینسپن
۱۲۸ راننده اختصاصی امریکا
۱۳۰ حباب های گرینسپن
۱۳۵ وقتی حباب ها می ترکند
۱۳۷ ۸- بانکداری در سایه

۱۳۸ تاریخ ساده شده بانکداری
۱۴۲ بانکداری سایه
۱۴۵ خطای سهل انگاری
۱۴۹ ۹- همه بلاها یکجا نازل می شود
۱۵۰ سقوط بازار مسکن و آثار آن
۱۵۳ بحران بانکی غیربانکی
۱۵۵ فدرال رزرو توان خود را از دست می دهد
۱۵۸ مادر همه بحران های ارزی
۱۶۱ افت جهانی
۱۶۳ ۱۰- بازگشت اقتصاد رکود
۱۶۴ اقتصاد رکود چیست؟
۱۶۶ چه باید کرد؟ رفتار ما در فوریت ها
۱۷۰ اصطلاحات مالی
۱۷۱ قدرت فکر

مقدمه نویسنده

اغلب اقتصاددانان، تا حدی که به رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ می پردازند، آن را یک تراژدی بی معنی و غیرلازم می بینند. تنها اگر هربرت هوور به دنبال متوازن کردن بودجه در زمان رکود اقتصاد نمی رفت، اگر فدرال رزرو به دنبال دفاع از استاندارد طلا به قیمت از بین رفتن اقتصاد کشور نمی شد، اگر مقامات مسئول نقدینگی کافی به بانک های مشکلدار تزریق می کردند تا بحران بانکی به وجود نیاید، آنگاه سقوط بازار سهام در ۱۹۲۹ تنها یک رکود معمولی بود که خیلی سریع به فراموشی سپرده می شد. از آن هنگام تاکنون اقتصاددانان و سیاست سازان درس خود را فرا گرفته اند - هیچ وزیر خزانه داری مانند اندرو ملون اعلام نمی کند که: همه چیز را بفروشید تا نظام مالی از مشکلات رهائی یابد - تا شاهد رکود بزرگ دیگری نباشیم.

ولی آیا چنین بوده است و درس خود را فرا گرفته ایم؟ در اواخر دهه ۱۹۹۰ بخشی از اقتصاد آسیا - اقتصادهایی که حدود یک چهارم تولید جهان و مسکن و ماوای دو سوم جمعیت جهان بودند - وارد چنان رکود سنگینی شدند که یاد آور رکود بزرگ بود. همانند رکود بزرگ، بحران بدون اعلام قبلی و در شرایطی روی داد که اغلب متخصصان و خبرگان ادامه رشد را پیش بینی می کردند. این واقعیت که ممکن است مسئله ای مشابه در جهان امروز رخ دهد باید برای هر فرد که اندک درکی از تاریخ داشته باشد موجب نگرانی جدی شود.

بدون تردید این موضوع برای من نگران کننده است. ویرایش اول این کتاب هنگام بحران آسیایی دهه ۱۹۹۰ نوشته شد. در حالی که برخی این بحران را صرفاً پدیده ای آسیایی می دیدند، من آن را هشدار مشکلات اقتصاد رکود و نشان بدی برای همه می دانستم. باعث تاسف است که من حق داشتم نگران باشم. در هنگام انتشار این ویرایش جدید، بخش عمده ای از جهان، از جمله ایالات متحده درگیر یک بحران مالی و اقتصادی شده که بسیار شبیه به رکود بزرگ و مشکلات دهه ۱۹۹۰ آسیا است.

مشکلاتی که آسیا در دهه گذشته طی کرد، و امروز ما دوباره تجربه می کنیم، دقیقاً همان مسائلی است که فکر می کردیم یاد گرفته ایم. در روزهای بد گذشته، اقتصادهای بزرگ و پیشرفته جهان و دولت های باثبات مانند انگلستان دهه ۱۹۲۰ هیچ پاسخی به دوره های طولانی رکود و ضدتورم نداشتند، اما حد فاصل جان مینارد کینز و میلتون فریدمن، فکر می کردیم که برای جلوگیری از بروز

شرایط مشابه به اندازه کافی درس گرفته ایم. کشورهای کوچک تر - مانند اتریش در ۱۹۳۱ - روزگاری در کنترل سرنوشت اقتصادی خود نبودند؛ اما امروز بانکداران توانا و مقامات دولتی (و البته صندوق بین المللی پول) باید بتوانند به سرعت بسته های نجات را پیش از سرایت بحران به نقاط بیشتر تامین کنند. دولت ها - مانند دولت ایالات متحده در دهه ۱۹۳۰ - ممکن است روزگاری می توانستند کنار ایستاده و شاهد سقوط نظام بانکی باشند؛ اما در جهان امروزی، بیمه سپرده های بانکی و آمادگی فدرال رزرو برای تامین نقدینگی برای موسساتی که با خطر روبرو هستند، باید از بروز چنین مسائلی جلوگیری نماید. هیچ فرد عاقلی فکر نمی کرد که عصر اضطراب اقتصادی خاتمه یافته باشد، اما معتقد بود که هر چند احتمال بروز مشکلات در آینده وجود دارد، اما این مشکلات شباهتی به مشکلات دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نخواهد داشت.

آنچه باید ده سال پیش می فهمیدیم این بود که اعتماد ما نابه جا است. ژاپن بخش عمده دهه ۱۹۹۰ را در یک تله اقتصادی که برای کینز و همتاهایش بسیار آشنا بود، طی کرد. اقتصادهای کوچک تر آسیا، در مقابل، یک شبه از رشد به فاجعه رسیدند و داستان آنها همانند بازخوانی تاریخ مالی دهه ۱۹۳۰ است.

در این زمان، من چنین فکر می کنم: باکتری هائی که قبلا بیماری های کشنده را موجب می شد به دلیل پیشرفت های پزشکی نادیده گرفته شد و حال به شکلی مقاوم در برابر آنتی بیوتیک ها دوباره ظاهر شده است. در ابتدای ویرایش اول این کتاب چنین نوشته بودم: تاکنون افراد معدودی قربانی باکتری های بی درمان جدید شده اند، اما اگر به دنبال کشف درمان های جدید نباشیم، قربانی بعدی خود ما هستیم.

خوب، ما بد عمل کرده و امروز دچار بیماری هستیم.

بخش عمده این ویرایش به بحران آسیائی دهه ۱۹۹۰، که نوعی تمرین برای بحران فعلی محسوب می شود، تخصیص داده شده است. اما مطالب جدید فراوانی هم به همان مطالب قبلی افزوده ام تا شباهت های فراوان ایالات متحده امروزی با ژاپن دهه قبل را ترسیم کنم.

در مورد این کتاب

اجازه بدهید در همین ابتدا بگویم که این کتاب متنی تحلیلی است. در آن به آنچه روی داد کمتر پرداخته شده و بیشتر به دلایل بروز آن پرداخته ام. به نظر من مهم آن است که دلایل بروز بحران را بشناسیم تا بفهمیم که قربانیان چگونه باید راه خود را بیابند و بدانیم چگونه از بروز مجدد آن جلوگیری کنیم. این بدان معنی است که هدف نهایی، چنان که در دانشکده های تجارت می گویند، ارائه نظریه ای در مورد قضیه و درک نحوه تفکر درست در این گونه موارد است.

تلاش من بر این بوده تا از تبدیل کتاب به متنی خشک و نظری دوری کنم. هیچ معادله ای یا هیچ نمودار پیچیده ای و البته امیدوارم هیچ واژگان سخت و فنی به کار نرفته است. به عنوان یک اقتصاددان متخصص، به خوبی می توانم مطالبی بنویسم که هیچکس مطالعه نکند. البته، چنین نوشته هایی به درک من در مطالبی که در این کتاب نوشته شده است (اعم از نوشته های خودم یا دیگران) کمک زیادی کرده است. اما آنچه دنیا امروز نیاز دارد اقدام آگاهانه است. برای اقدام آگاهانه، افکار و نظرات باید چنان عرضه شوند که در دسترس عموم مردم قرار گرفته و تنها برای متخصصان صاحب مدرک اقتصاد به درد نخورد. در هر صورت، معادلات و نمودارهای رسمی اقتصادی در اغلب موارد صرفاً ابزاری برای ساختن و شکل دادن به همین دیدگاه ها است. وقتی دیدگاه ها تا حدی ساخته شد، می توان داربست را کنار گذاشته و از واژگان ساده بهره گرفت.

البته هر چند هدف ما تحلیل شرایط است، بخش عمده کار مانند نگارش نثر معمولی داستانی ارائه می شود. خط داستانی چارچوبی مناسب برای تلاش شرح رویدادهایی است که یک سال و نیم گذشته همه ما دنبال کرده ایم. کمتر کسی است که گفته های ماهاتیر محمد در اوت ۱۹۹۷ را به یاد داشته و ارتباط آن با اقدامات یک سال بعد دونالد سانگ در هنگ کنگ را بداند؛ خوب، این کتاب حافظه شما را در این رابطه تقویت می کند.

وسوسه معمول برای نویسندگان اقتصادی، به ویژه وقتی که چنین موضوع حیاتی مطرح است، گزینش سبک نگارش بسیار رسمی است. نه این که رویدادهایی که شاهد و درگیرشان هستیم مهم نیستند، در بسیاری موارد مسائل مرگ و زندگی مطرح اند. اما نگارندگان تصور می کنند که چون موضوع و مطلبی که در مورد آن می نویسند جدی است، آنها هم باید از واژه های سنگین بهره گرفته و خیلی رسمی بنویسند. اما، برای درک پدیده های جدید و عجیب، باید آماده بازی با افکار و نظرات

باشیم. من از کلمه بازی به عمد استفاده کردم چون معمولاً افراد رسمی هیچگاه نگاهی نو به اقتصاد بنا هر مطلب دیگر عرضه نمی کنند. منظور من این است که اگر من داستان مشکلات ژاپن را به صورت داستانی جذاب مانند تعاونی مهد کودک همراه کنم، درک مطلب بهتر، سریع تر و راحت تر ممکن خواهد شد. شاید به نظر ساده انگارانه باشد، شاید این نگارش غیررسمی برای شما اهانت آمیز محسوب شود، اما هدفمند است و می خواهد ذهن ها را به مسیر جدیدی هدایت کند و بگوید که راه حل های ساده ای برای خروج از بحران های مشابه بحران ژاپن وجود دارد. پس انتظار کتابی رسمی و خشک، هر چند اهداف ما بسیار مهم و جدی است، نداشته باشید.

با این مقدمه به جهان چند سال پیش پرداخته و سفر خود به امروز را شروع می کنیم.